

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری
۰۳ اپریل ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

قرآن و حدیث را، قانون اساسی گفتن:
بی احترامی و عدم تکریم به ارزش های دینی است



وزیر عدلیه طالبان:

در افغانستان خلی قانونی نداریم،
قرآن و حدیث قانون اساسی ما است

برای تایید و خواندن متن خبر این شماره را گوگل کنید 202403319475

قرآن و حدیث را، قانون اساسی گفتن: بی احترامی و عدم تکریم به ارزش های دینی است. زیرا قانون اساسی به اساس ضروریات و مقتضیات زمان، بازنگری و تعدیل می شود - که قرآن شریف و احادیث گرانبهای آنجناب، ثابت و لایتغیر می باشند...!

شرح مقتضیات زمان:

برای این که عمق و ژرف این که مقتضیات زمان چیست دانسته شود، نخست می باید اعمال تصدی و اعمال حاکمیتی دولت را، دانست تا اهمیت و جایگاه قانون اساسی را، درک کرد.

اعمال تصدی:

عبارت از معارف و تحصیلات و ستندرد های جهانی عصری آن، برق و انرژی و معاهدات بین المللی آن، هوانوردی و سازمان بین المللی هوانوردی ملکی ایگاو¹ در مونترال کانادا و ترانسپورت و معاهدات آن، سایبر و اینترنت و حقوق سایبری، صحت عامه و شورای جهانی صحت در سازمان ملل و غیره ... پدیده ها، که دولت و سکتور خصوصی متمرکز به ارائه خدمات آنان، برای ملت در جغرافیای مشخص شده بین المللی یا حقوق سرحدات معین و مشخص هستند.

البته اعمال تصدی پسا قرن ۱۷ حاصل فکری انسانی یا عقل محض برای خدمت به بشریت به دور یا مستقل از هر باور دینی و زبانی و سمتی جهانی یا ملی، اختراع و کشف گردیده می باشد - جایگاه فقه معاصر در برابر این پدیده ها، که در فقه سلف یا اربعین و جعفری نبوده، فقط در تثبیت حلال و حرام یا این که در تضاد ارزش های باوری دینی اسلامی نمی باشند است.

تحصیلات و نحوه کاربرد اعمال تصدی در فقه نیست از فقه اربعین تا اُر المختار و رد المختار از عابدین شامی صاحب که در دوره عثمانی ها، مبارک نوشت و برای رفع اختلافات خدمت بزرگ به امت کرد، و تا اکنون در فقه معاصر اعمال تصدی نمی تواند توسط فقه مدیریت یا نحوه عملکرد شود.

اعمال حاکمیتی:

به مجموعه اعمالی گفته می شود که همراه با ابزار یا اسلحه یا قوه قهریه شامل (اردو، پولیس و امنیت) که ضرورت قوه یا قدرت نظارتی شورا را لازم، تا در مقابل مردم چون ابزار سرکوب استفاده نگردد.

ضرورت قانون اساسی در مدیریت و ارتباطات اعمال تصدی و حاکمیتی دولت چیست؟

منظور از ارتباطات سیاست خارجی افغانستان به منظور کسب منافع ملی، که در فقه تعریف و بیان ارتباطات با کشورهای اسلامی و سایر کشورها را، مشخص و تعیین نموده برای امت نه افغانستان - پس افغانستان به اساس ارزش های باوری و فرهنگی و منطقه ئی خود و نظر به زمان سیاست و جایگاه معاهدات بین دولی خود را، در نظام حقوقی سیاسی مشخص نموده که هر اعمال یا هر وزارت اعمال تصدی یک یا چند میثاق بین المللی مشخص خود را، دارد.

¹ هوانوردی ملکی افغانستان در لیست سیاه اورپا و سازمان ایگاو قرار دارد - که بیرون شدن آن در هیچ فقه بیان و راهکار داده نشده است، البته هوانوردی و طیاره ماو شمارا به زیارت حج انتقال می دهد. اما مدیریت و حقوق این صنعت مستقل از هرگونه دین و باور است... لطفا ارانه کتابی حقوق بین الملل هوانوردی ملکی در افغانستان را، که نوشته ام و به گونه سیمینار ارانه کرده ام تماشا کنید:

https://www.youtube.com/live/zAo92GRXtLA?si=OmRCpt7gpd5-y_2

قوه قضائیه و قانون اساسی:

اولاً قانون اساسی کمیسیون یا محکمه خود را، یعنی محکمه قانون اساسی را تبیین می کند که اگر کسی یا گروهی در مقابل این مظهر اراده ملی قرار گیرد بدون شک خیانت ملی و رویکرد در مقابل خیانت ملی، چگونه باشد.

ثانیاً نظام محاکم به دو بخش تقسیم می شود - یکم محاکم جزائی و دوم محاکم اداری محاکم جزائی: به اساس قانون جزا، قانونی که توسط مردم یا نمایندگان مردم تصویب و نظارت می شود. قانون جزا یعنی چون در جامعه اخلاق و مناسبات و ارتباطات شهروندان توسط فقه اسلامی تعریف می شود و در برابر نقض آن، کیفر آن نیز، به اساس فقه حنفی و جعفری مشخص و الزام می شود که ضمانت اجرای آن توسط دولت می باشد و بالای مجریان قدرت و مردم عام، یکسان است (عدالت اجتماعی) البته یادآوری کنم: کیفر یا تعزیرات تا سرحد مرگ و نحوه آن مانند: اعدام، چوکی الکترونی یا شلیک مرمی در کشورهای دموکراسی نیز بوده و عملی نیز گردیده است. محاکم اداری: یعنی منافع عمومی یا منافع ملی توسط افراد و یک گروه مشخص یا توسط مجریان قدرت غارت نشود (عدالت اداری)

و اگر انتقال قدرت و نحوه گزینش مجریان قدرت، توسط حقوق انتخابات در قانون اساسی مشخص و الزام آور بالای دولت و ملت نشود - انتقال قدرت در افغانستان جنگ می باشد مانند افغانستان پسا ۱۹۹۲ و افغانستان ۲۰۱۴ که اگر امریکا دخالت نمی کرد. حالا سؤال اینست: بعد هبت الله آخذند زاده زمامدار مردم کیست؟ و چطور به کرسی قدرت رسد؟ وظایف و مسؤولیت های فرد اول و سایر مقامات دولت در قانون اساسی تبیین می شود و در صورت نقض آن، کدام قدرت نظارتی مردمی آنها را عزل و محکمه کند؟

یادداشت: امروزه استقلال هر کشور از مبانی حاکمیت ملی تعریف می شود، زیرا سرحدات و حقوق بین المللی و جایگاه سازمان ملل و شورای امنیت در صورت نقض حقوق سرحدات گویا هستند و تمامیت ارضی نیز در پرتو حاکمیت ملی نگهداری و زمینه توسعه برای مردم سرزمین می گردد.

پس ارزش های دینی از جمله مبانی تصویب قوانین اساسی در افغانستان بوده و اعلامیه های حقوق بشر و منشور سازمان نیز جزء مبانی قوانین اساسی هر کشور مستقل و آزاد محسوب می شود. البته پسا تصویب قانون اساسی جان و روح قانون، حاکمیت قانون می باشد.

در نتیجه:

طالبان با رویکرد این چنینی شان تاریخ خودشان را نوشته - و مانند عبدالله بهیر نواسه حکمتیار در محکوم کردن پدرکلانش، نسل های بعدی طالبان که با معرفت علم آشنا شوند از پدرشان منکر و در نفرین آنها می پردازد. و خداوند رسانه افغانستان انترنشنل را هم، هدایت کند - که برای تحلیل قانون اساسی با موجودیت بهترین حقوقدانان، پسر قاتل مردم افغانستان مخصوصاً قاتل مردم کابل یعنی گلبدین حکمتیار را، به رُخ مردم می کشاند. و پسران حکمتیار چون عبدالله بهیر که راه خود را جدا نکنند در نفرین جامعه سیاسی افغانستان می باشند.

محمد آصف فقیری

نویسنده و پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق عمومی - پناهنده افغان در دوشنبه تاجکستان